



انترناسیونال ۱۶۳

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-communist Party of Iran

جمعه، ۳ آبان ۱۳۸۵، ۲۵ اکتبر ۲۰۰۶

www.m-hekmat.com

جمعه ها منتشر میشود

Fax: 001-519 461 3416

anternasional@yahoo.com

سرمدیبر: محسن ابراهیمی

یازدهمین کنفرانس همبستگی صفحه ۶	نامه و کلا به دانشگاه سنت آندروز صفحه ۵	در اعتراض به حضور خاتمی در انگلستان صفحه ۵	باتلاق جنگ عراق در حاشیه رویدادها کاظم نیکخواه صفحه ۸
---------------------------------------	---	--	--

خطر جنگ؟ نگاهی به موقعیت سیاسی حاضر از ارتفاع ۳۰۰۰۰ پایی!



علی جوادی

بر فراز جامعه به پرواز در آمده است: آیا جنگی در چشم انداز است؟ آمریکا و متحدینش آغاز گر تهاجمی به تاسیسات هسته ای رژیم اسلامی خواهند بود؟ آیا...؟ هدف از این آرایش نظامی چیست؟ جهان به

صفحه ۲

ناوگانهای آیزنهاور و انترپرایز و چند کشتی های مین یاب آمریکا به طرف خلیج حرکت کرده اند. مانور نظامی مشترک آمریکا و چند کشور حوزه جنوبی خلیج در دستور است. پرونده اتمی رژیم اسلامی به شورای امنیت سازمان ملل ارجاء شده است. بار دیگر این سوال بطور جدی تری

۱۶ آذر یک روز مهم تاریخی



شهلا دانشفر

۱۶ آذر نزدیک است و تدارک يك روز اعتراض عمومی و سراسری به موضوع بحث در محافل دانشجویی و فعالین معترض و رادیکال تبدیل شده است. سالهاست که ۱۶ آذر رنگ دیگری بخود گرفته است و این روز اکنون دیگر نه تنها روز دانشجو، بلکه روز اعتراض کل جامعه علیه جمهوری اسلامی با پرچم آزادی برابری است. با نگاهی به ۱۶ آذر در همین چند سال اخیر مبینیم که برگزاری و گرامیداشت این روز هر سال رنگ چپ تر و رادیکالتری به خود گرفته است. از جمله در چند ساله اخیر بلند شدن پلاکاردهای حمایت از اعتراض کارگران و

معلمان، آزادی برابری، نان آزادی برای همه، نه به حجاب اجباری، رنگ دیگری به این روز داده است. در سال گذشته اگر چه جمهوری اسلامی مانع

صفحه ۳

اعتراض به حضور خاتمی در لندن گفتگو با جلیل جلیلی

یکی از برگزار کنندگان آکسیون اعتراضی علیه خاتمی در لندن



اهداف سیاسی دارد؟ چه اهدافی این وسط دنبال میشود؟ جلیل جلیلی: این دعوت يك اقدام کاملا سیاسی است و اهداف سیاسی معینی را دنبال میکند. "چتام هاوس" يك پاتوق سیاسی یا بزبان عامیانه يك قهوه خانه سیاسی است که در آنجا کنفرانس های مهمی در باره سیاست های خارجی دولت انگلیس برگزار میشود و میشود گفت که اینجا مرکزی برای طراحی

صفحه ۴

انترناسیونال: مرکز "چتام هاوس" از محمد خاتمی دعوت کرده است که در تاریخ ۱ نوامبر ۲۰۰۶ در لندن در باره گفتگوی تمدنها سخنرانی داشته باشد. و همچنین دانشگاه سنت آندروز قرار است دکترای افتخاری به ایشان بدهد! ظاهر ماجرا اینست که از يك رئیس جمهور سابق برای سخنرانی در باره يك موضوع اجتماعی دعوت به عمل آورده اند. از نظر شما این دعوتها مضمون و

نامه سرگشاده شیوا محبوبی

به دانشجویان در انگلیس
در رابطه با دعوت از خاتمی از سوی "چتام
هاوس" و دانشگاه "سنت اندروز"



دوستان دانشجوی!

"چتام هاوس" خاتمی را دعوت کرده است تا از "دیالوگ تمدنها" برای ما بگوید. دانشگاه "سنت اندروز" هم می خواهد بخاطر "جانفشانی" این رئیس جمهور اسلامی در راه تلاش برای اجرای قوانین اسلامی به ایشان

صفحه ۳

به استقبال سالروز انقلاب اکتبر برویم!

صفحه ۶

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از صفحه ۱

کدام سو می‌رود؟

برای بررسی و پاسخ باید نگاهی به موقعیت سیاسی و صیفیندی نیروهای درگیر و متخاصم انداخت. اما این تصویر فقط در برگزیده دو نیروی متخاصم، تروریسم اسلامی و میلیتاریسم آمریکا و ناتو، نیست. این معادله فقط دو سو ندارد. سرنوشت جهان و تحولات آتی را فقط کشمکش و جدال این دو نیروی تروریست تعیین نمی‌کنند. نیروی دیگری، جبهه دیگری در تصویر است و وزن خودش را بر اوضاع تحمیل کرده است و باید بکند. مردم، جنبش سرنگونی طلبی توده های مردم، واقعیت انکار ناپذیر چنین تصویری هستند. در نگاهی از ارتفاع ۳۰ هزار پایی خطوط عمده تصاویر چگونه شکل گرفته اند؟ از موقعیت رژیم اسلامی و اسلام‌یسم شروع می‌کنیم.

موقعیت جدید اسلام سیاسی

در نگاه اول آنچه تصویر کنونی را از تصاویر گذشته متفاوت می‌کند، موقعیت ایجاد شده پس از جنگ ارتجاعی اسرائیل و حزب الله است. این وجه ممیزه اوضاع کنونی است. این جنگ علی‌رغم مصائب ضد انسانی و مغریب برای مردم لبنان و اسرائیل، برای اسلام سیاسی و حزب الله يك مانده آسمانی بود. هدیه خونین خدا برای هیولای مخلوقش بود! بیش از يك میلیون آواره شدند، دهها هزار خانه مسکونی ویران و تبدیل به مخرابه شدند، بیش از هزار تن کشته و چند هزار تن زخمی شدند تا اسلام سیاسی از نابودی این انسانها برای خود سرمایه جدید سیاسی بسازد. اسلام سیاسی بر ویرانی و تخریب و نابودی و مرگ بنا شده و عمارت خونین خود را بنا کرده است. از این رو به استقبال جنگ رفتند و تدارکش را دیدند.

جنگ موقعیت سیاسی جدیدی برای اسلام سیاسی و رژیم اسلامی در منطقه ایجاد کرده است. استراتژی منطقه ای که رکن اصلی اش تشدید تخاصمات خاورمیانه بود، به ثمر نشست و در پس یک جنگ ارتجاعی قادر شدند سنگرهای جدیدی برای خود ایجاد کنند. تقویت اسلام سیاسی يك میوه تلخ این جنگ ارتجاعی بود. اسلام سیاسی اکنون در سنگرهای مرتفع تری در منطقه

خطر جنگ ...

قرار گرفته است.

این وضعیت جدید را نیروی متخاصم و رقیب نیز به رسمیت می‌شناسد. اکنون می‌ست که نماینده جناحهای کمتر کودن بورژوازی معاصر است، از عروج رژیم اسلامی بمثابة نیروی منطقه ای صحبت می‌کند. سنجش های معاصر تمامی حکایات از تقویت موقعیت جدید رژیم اسلامی در منطقه و در مقایسه با ناسیونالیسم عرب می‌کنند. رژیم اسلامی بر خلاف جناح دوم خرداد در استراتژی کنونی خود دفاع از موجودیت کثیف خود را نه بر مبنای گسترش پایه های اجتماعی خود و دخیل کردن بخشهایی همیشه آماده به خدمت نیروهای ملی اسلامی در ارکان حاکمیت سیاسی در داخل کشور بلکه بر مبنای ایجاد ائتلافهای جدید منطقه ای و جهانی و بر مبنای ضد آمریکایی گری و سرمایه گذاری بر تخاصمات دیرینه و تاریخی منطقه ای استوار کرده است. و میکوشد به اعتبار کسب موقعیتی برتر در منطقه، موقعیت ویژه ای در داخل کشور و در مقابله با مردم و جنبش سرنگونی برای خود دست و پا کند. این استراتژی در اساس با استراتژی بقاء، دوم خرداد متفاوت است، چه در ارکان داخل کشوری و چه در مبنای خارج کشوری و منطقه ای خود. "جنگ نیابتی" يك حلقه مهم در پیشبرد اهداف عمومی رژیم اسلامی بود. این تغییر موقعیت اساسا در قبال نیروی متخاصم و رقیب قابل تعریف است.

رژیم اسلامی و کلا اسلام سیاسی قادر شده است به موقعیت متفاوتی نسبت به گذشته دست پیدا کند. به تعرض خود ابعاد جهانی بخشیده اند. تلاش می‌کنند تا جبهه منطقه ای و جهانی در رو در رویی با آمریکا و ناتو ایجاد کنند. پیشرفتهایی هم داشته اند. اما معادلات منطقه ای و تغییر موقعیت اسلام سیاسی در منطقه نعل به نعل به تغییر موقعیت سیاسی رژیم اسلامی در مقابل و رو در رویی با مردم تبدیل نمی‌شود. موقعیت رژیم اسلامی در قبال مردم را فاکتورهای کاملا متفاوت دیگری تعیین و رقم می‌زنند. آنچه در این معادله تعیین کننده است، نه موقعیت منطقه ای رژیم اسلامی بلکه موقعیت ویژه جنبشهای

اجتماعی در جامعه است. تا آنجا که به فاکتورهای عمومی شکل دهنده موقعیت سیاسی حاضر در جامعه بر میگردد، ما شاهد تشدید شاخصهای اقتصادی و سیاسی و فرهنگی شکل دهنده بحران لاعلاج رژیم اسلامی هستیم. رژیم در بن بست است. مردم حکم سرنگونی اش را صادر کرده اند. مساله زمان و چگونگی اجرای این حکم سیاسی است. مردم در کمین رژیم نشسته اند.

موقعیت سیاسی میلیتاریسم آمریکا

وضعیت در طرف دیگر تصویر چگونه است؟ ناوگانهای عظیم نظامی این ماشین غول آسای تخریب و ویرانی به خلیج عازم شده اند. مانور می‌دهند. اما شرایط سیاسی برای اقدام نظامی مهیا نیست. آمادگی نظامی با آمادگی سیاسی همخوانی ندارد. دلایل متفاوتند. آمریکا در عراق در يك نقطه عطف تعیین کننده قرار گرفته است. عراق هضم نشد. طرح خاورمیانه ای آمریکا در آستانه شکست قرار گرفته است. نظم نوین جهانی با علامت سؤال بزرگی در مقابل خود روبروست. آیا قادر به تامین پیروزی نظامی در عراق خواهند بود؟ معانی سیاسی و بین المللی شکست نظامی در عراق کدامست؟ حتی بخشهایی از دست راستی ترین جریانات امیدی به پیروزی ندارند. بعلاوه محصول جنگ نه "دمکراسی و حقوق بشر" ادعایی بلکه قتل و نابودی و تخریب و از هم پاشیدگی شیرازه جامعه بوده است. خوش بینانه ترین آمار میزان کشتار ناشی از حمله نظامی آمریکا را به رقمی بالای ۱۶۰ هزار تن می‌رساند. مطالعات جدید در دانشگاه جان هاپکینز به رقم تکان دهنده ۶۰۰ هزار تن اشاره می‌کند. بخشهای وسیعی از خود بورژوازی آمریکا صحبت از استراتژی "قطع و فرار" می‌کنند. قطع فوری جنگ و فرار از عراق. سیاسی شبیه به آنچه که در لبنان اتخاذ کردند. از طرف دیگر مساله عراق و جنگ به مساله اصلی کشمکش جناحهای آمریکا و عاملی برای بیزاری مردم از هیات حاکمه بوش تبدیل شده است. بیش از ۶۵ درصد مردم سیاست دولت در جنگ را تایید نمی‌کنند. بخشهایی وسیعی از جامعه خواهان پایان دادن فوری به جنگ هستند. جنبش ضد

جنگ يك واقعیت زنده در جامعه است.

عوامل فوق امکان آغاز عملیات نظامی دیگری را از آمریکا در لحظه حاضر سلب می‌کنند. البته هیچگاه نباید نقش "دیوانگی" در سیاست میلیتاریستی معاصر را نادیده گرفت. حمله نظامی دیگری اکنون نمیتواند در دستور قرار گیرد. شرایط سیاسی داخلی و منطقه ای و بین المللی بهیچوجه برای چنین اقدامی مناسب نیست. چنین اقدامی موقعیت آمریکا را دستخوش تلاطمات جدی و تعیین کننده ای خواهد کرد. هزینه سیاسی آغاز عملیات نظامی به شدت بالا است. در صورت شروع راه برگشت بسادگی ممکن نیست. اکثر استراتژیستهای نظامی بر این باورند که حمله نظامی به تاسیسات هسته ای چاشنی مجموعه ای از عملیات غیر قابل پیش بینی و انتقام جویانه خواهد شد. جنگ تمام عیار تنها محصول حمله نظامی ایذایی خواهد بود. ورود به این فاز چندان ساده و بی درد سر نیست!

ویژگی کشمکشهای حاضر

اگر حمله نظامی در شرایط کنونی محتمل نیست، به آرایش نظامی در خلیج کنونی چگونه باید نگریست؟ هدف این آرایش نظامی يك اعمال فشار سیاسی به نیروی متخاصم و رقیب است. در شرایط حاضر به دنبال تحمیل سیاست توقف غنی سازی رژیم اسلامی هستند. اهداف بلاواسطه عمدتا تامین توافقات دیپلماتیک در روندی است که اشکالی از سیاست تحریم اقتصادی را مد نظر دارد. از طرف دیگر ماشین نظامی آمریکا در صد است تا "شکست" سیاسی در جنگ اسرائیل و حزب الله را جبران کند. باید به متحدین آمریکا در منطقه تضمینی برای اتکا، و چسبیدن به سنگرهای کنونی داد. صفوف ناسیونالیسم پرو غربی در منطقه چند پارچه و متشتت است. دست را به اسلام‌یسم و ناسیونالیسم میلیتانت باخته است. افقی ندارد. حمایت غرب اهرم تعیین کننده بقاء ارتجاعی در منطقه است. ناوگانهای آمریکا در منطقه به دنبال اهداف نظامی بلاواسطه نیستند. اهداف سیاسی معینی را دنبال می‌کنند. بنابراین تقویت موقعیت سیاسی

تضعیف شده میلیتاریسم آمریکا در منطقه هستند.

اما چشم انداز حمله نظامی و جنگ چیست؟ آیا جنگ از دستور خارج است؟ جنگ در شرایط کنونی محتمل نیست. اما کماکان در دستور است. يك احتمال واقعی در تقابل دو قطب تروریستی است. يك رکن سیاسی اعلام شده آمریکا و متحدینش جلوگیری از تسلیح رژیم اسلامی به سلاح کشتار دسته جمعی است. واقعیت این است که نه اعمال فشار سیاسی و مانور نظامی به تغییر سیاست رژیم اسلامی در دست کشیدن از غنی سازی منتج خواهد شد و نه تضمین های لازم در این پروسه چندان قابل قبول و اعتماد است. از طرف دیگر درخواستهای رژیم اسلامی مبنی بر تغییر سیاست رژیم پنج از جانب آمریکا و دادن تضمین هایی مبنی بر حفظ موقعیت بین المللی این رژیم در تناقض با سیاست عمومی نظم نوین جهانی در این دوران قرار دارند. هرگونه عقب نشینی در این تقابل از جانب آمریکا دارای معانی معینی در توازن قوای منطقه ای و بین المللی خواهد بود. میلیتاریسم آمریکا با چنگ و دندان و با وحشیگری بر این تقابل خواهد کوبید.

جنگ يك احتمال واقعی است. نیروهای متخاصم به سوی جنگ گام بر میدارند. جنگ جزئی از نقشه عمل عمومی هر دو قطب تروریستی جهان معاصر است. میلیتاریسم آمریکا برای توجیه موقعیت نظامی و تحکیم موقعیت ابرقدرتی خود در جهان نیازمند جنگ و عملیات بقاء و میلیتاریزه کردن جامعه نیازمند آرایش نظامی ویژه است. ابزار سرکوش قدرت ارعابش را از دست داده است. مردم همین تنها رکن سرکوش را نیز به مصاف گرفته اند. سرنگونی طلبی اصلی ترین ویژگی سیاسی حاضر در جامعه است. برای مقابله با این جنبش رژیم قادر به ادامه حکومت به روشهای تاکتونی نیست. جنگ بالانس موجود را به نفع مختق کردن فضا تغییر میدهد. شکافهای هیات حاکمه را بر مبنای يك پلاتفرم نظامی تا حدودی میپوشاند.

هر دو سوی این تخاصم تروریستی به سوی جنگ میروند.

از صفحه ۱ - ۱۶ آذر یک روز تاریخی مهم

تجمع وسیع در این روز شد، اما دانشجویان با برپایی تجمع و قطعنامه ۲۰ آذر پاسخ محکمی به رژیم دادند. قطعنامه ای که بطور واقع پلاتفرم چپ در جامعه بود. پلاتفرمی که در آن اعلام کرده بود که تنها آلترناتیو رهایی انسان است و بر سوسیالیسم تاکید میگذاشت. قطعنامه ای که مهر خود را بر ۱۶ آذر امسال و قطعنامه ها و بیانیه های ویژه این روز نیز خواهد زد.

از سوی دیگر امسال ما در شرایطی به استقبال ۱۶ آذر میرویم که فضای اعتراض در جامعه همچنان بالاست و جنبش کارگری بیش از هر وقت در جنب و جوش است. در دانشگاهها اعتراضات حول مسائل مختلفی چون اعتراض به دستگیری دانشجویان و خواست آزادی آنان، اعتراض به تشکل های دست ساز در دانشگاه و وضع بد آموزشی و اعتراض به عدم امکانات رفاهی و غیره در جریان است و همه جا فضایی اعتراضی بخود گرفته است. بویژه آنچه چیزی که به ۱۶ آذر امسال ویژگی میدهد، عمق بیشتر اعتراضات موجود در جامعه در اشکال بیان خواستها و مطالبات و در سازمانیافتگی آنست. از جمله امروز کمتر شاهد این هستیم که اعتراضات بخش های مختلف جامعه به شکل خودبخودی و خلق الساعه ابراز گردد، بلکه بیشتر بصورت سازمانیافته و با بیانیه های اعتراضی روشن خود را بیان میکنند. این را بطور مشخص در تجمع با شکوه روز جهانی کودک و بیانیه ها و قطعنامه های این روز، دیدیم. قطعنامه هایی که در آن صدای انسانیت رساتر از هر وقت بگوش میرسید و در تهران بیش از دو هزار نفر به مناسبت این روز جمع شدند و کیفرخواست خود را علیه این جهان وارونه اعلام کردند و اجتماع بزرگ در سنجید به همین مناسبت به روشنی بیانگر همین حقیقت بود. اینها اتفاقات مهمی است که بیش از پیش رنگ خود را به ۱۶ آذر امسال نیز خواهد زد. در کنار این اتفاقات هنوز بحث بر سر مناقشه انرژی اتمی بین دو قطب تروریست جهانی آمریکا و دول غرب از یکسو و جمهوری اسلامی از سوی دیگر گرم است و ایران به یکی از مراکز مهم سیاست در دنیا تبدیل شده است و توجه دنیاست بسوی ماست. در متن چنین

شرایطی ۱۶ آذر فرا میرسد و باید به استقبال برگزاری یک ۱۶ آذر با شکوه برویم و بار دیگر با بلند کردن صدای شعارهایمان، و با فریاد آزادی برابری، نه جنگ، نه سلاح اتمی، آزادی برابری! توجه مردم جهان را به حقایق سیاسی جامعه ایران جلب کنیم.

۱۶ آذر امسال باید رنگ و روی این شرایط را به خود بگیرد و بزرگ و با شکوه باشد.

چند نکته مهم در تدارک ۱۶ آذر

در برابر تعرضات رژیم بایستیم و به اعتراضاتمان شدت دهیم. واقعیت اینست که هر ساله جمهوری اسلامی از قبل و به اشکال مختلف در برابر این روز صف آرای می کند. دانشجویان و افراد معترض را شناسایی و دستگیر میکنند. حراست و کمیته های انضباطی در دانشگاهها را فعال میکنند و نیروهای انتظامی خود را به خیابانها میکشانند. ما نیز باید با تدارک یک حرکت اعتراضی سراسری خود را برای تقابل با این سیاستها آماده کنیم. حرکات و اعتراضات امروز ما زمینه ساز ۱۶ آذری هرچه وسیعتر و رادیکالتر خواهد بود. باید به مبارزاتمان شدت دهیم و بیش از پیش حول خواستهایمان از جمله خواست زندانی سیاسی آزاد باید گردد، دست نیروهای انتظامی و حراست و کمیته های انضباطی از دانشگاهها کوتاه، گرد آییم و برپایی یک ۱۶ آذر با شکوه را تدارک ببینیم. به دستگیری و تهدید دانشجویان معترض و به فضای پلیسی و ایجاد اختناق مذهبی و انگیزاسیون در دانشگاهها معترض شویم و رساتر از هر وقت خواست آزادی فوری و بدون قید و شرط زندانیان سیاسی را فریاد بزنیم. بگوئیم تمامی زندانیان سیاسی بدون قید و شرط آزاد باید گردند. بدین ترتیب اعتراضی متحد و سراسری را شکل دهیم. بویژه در شرایطی که فشار اعتراض جامعه باعث شده که بیش از هر وقت از سوی مقامات مختلف رژیم، فریاد اسلام از دست رفت سر داده میشود، اینجا و آنجا از جدایی دین از سیاست صحبت میشود، با شعارهایی چون جدایی آموزش و پرورش از مذهب، دست مذهب از دانشگاه کوتاه، نه به

حجاب اجباری و نه به آپارتاید جنسی، مبارزه برای رهایی از خرافه و مذهب را گامی به جلو ببریم و مهر خود را بر سیر اتفاقاتی که در جامعه روی میدهد بزنیم.

مبارزه متحد حول خواستهای سراسری

مبارزات دانشجویان در همه دانشگاهها مشترک است. اخراج نیروهای سرکوبگر از دانشگاهها، بیرون انداختن نهادهای مذهبی از مراکز آموزشی، لغو آپارتاید جنسی، بالا بردن استانداردهای آموزشی در سطح دانشجویان دستگیر شده و رفع هر گونه تهدید و فشار بر دانشجویان معترض، به رسمیت شناخته شدن حق تشکل، حق تجمع، آزادی بیان و عقیده همه و همه خواستهای مشترک همه دانشجویان است. باید حول این خواستها در همه جا متحد شد و به حضور بسیج و نیروی نظامی در دانشگاهها و نیز به احکام کمیته های انضباطی و به فضای پلیسی و ایجاد اختناق مذهبی در دانشگاهها معترض شد.

باید در تمامی تنگاتنگ با یکدیگر این اعتراضات را به پیش ببریم و با حمایت سراسری و گسترده از هر حرکت و اعتراضی مبارزاتمان را هر چه فشرده تر به پیش ببریم.

۱۶ آذر را هر چه وسیعتر و توده ای تر برپا کنیم

با نوشتن شعارهایمان بر در و دیوار و با پخش تراکتهایمان از هم اکنون فضای ۱۶ آذر را بسازیم. در و دیوار را با شعارهای مرگ بر جمهوری اسلامی، زنده باد ۱۶ آذر، زنده باد آزادی، زنده باد برابری پر کنیم. قطعنامه ها و بیانیه هایمان را تهیه کنیم و با پخش این قطعنامه ها در تمامی دانشگاهها، بر روی خواستهای واحدی گرد آییم و مبارزه ای متحد را شکل دهیم و از هم اکنون فضای سیاسی جامعه را به رنگ این روز در آوریم و به استقبال یک روز اعتراض سراسری برویم.

در هر کجا که هستیم، در محل کار و در مهمانی، در تاکسی و در صف های خرید، در همه جا در مورد اهمیت این روز صحبت کنیم و کل جامعه را به شرکت در جمعیتی که به رسم هر ساله در مقابل دانشگاهها بر پا میشود فرا بخوانیم. فعالین و

از صفحه ۱ - نامه سرگشاده شیوا محبوبی

دکترای افتخار حقوق بدهد. سوال این است چرا این مراکز به یاد جایزه دادن به چنین شخص معلوم الحالی افتاده اند؟ آیا سابقه خاتمی بعنوان رئیس جمهوری يك حکومت جنایتکار اسلامی بر این مراکز پوشیده است؟ آیا نمی دانند فقط در طول ۸ سال ریاست جمهوری این شخص چه تعداد در ایران به دار آویخته شدند یا سنگسار شدند؟ چه تعداد از مخالفین سیاسی در جریان قتل های زنجیره ای به فجیع ترین شکلی به قتل رسیدند؟ تجمع اعتراضی کارگران معدن شهربابک در مبارزه علیه اخراج به گلوله بسته شدند و چهارفرشان جان باختند؟ نمایانند که چه تعداد از اعتصابات کارگری بخاطر اعتراض به نپرداختن دستمزد آنها بختک و خون کشیده شد؟ چند هزار یا چند ده هزار دختر و پسر بخاطر برگزاری جشن، بخاطر راه انداختن يك دیسکو، بخاطر دوستی با یکدیگر شلاق خوردند؟ چه تعداد

بیشماری از زنان و حتی دختران نوجوان بخاطر فقر مطلق خانواده و یا تکمیل قوانین ضدزن و محدود کننده مجبور به تن فروشی شدند؟ آیا نمی دانند بیش از چند صد هزار نفر از کارگران که بعضا بیش از بیست سال سابقه کار داشتند، اخراج شدند و خانواده هایشان بدون کوچکترین بیسماهی و کوچکتترین حقیقی به اعتراض و اعتصاب به زیر فقر مطلق رانده شدند؟ آیا این مراکز نمی دانند بزرگترین اعتراضات دانشجویان در ایران توسط همین رئیس جمهور اسلامی به خون کشیده شده و هنوز تعدادی از دانشجویان دستگیر شده در ۷ سال پیش در زندان بسر می برند، و آیا نمی دانند اکبر محمدی که از دوران ریاست جمهوری خاتمی در زندانهای مخوف رژیم اسلامی بسر می برد چند ماه پیش در زندان اوین کشته شده است؟ آیا مسئولین و دعوت کنندگان از خاتمی در دانشگاه " سنت اندروز " احمد باطبی را نمی شناسند که ۷ سال بجرم دفاع از حق بیان و آزادی در بدترین شرایط در زندان است و هم اکنون نیز با وجود بیماری بسیار زیر بازجویی قرارش داده اند و از دیدار با خانواده محروم شده اند؟ اینها گوشه ای بسیار بسیار کوچک از فجایع و جنایاتی است که در دوره خاتمی بر سر مردم ایران آورده شده است.

از شما تقاضا میکنم قاطعانه به میدان بیایید و همراه با ما حقایق آشکار را در برابر جامعه بگذارید و اجازه ندهید دانشگاههای انگلیسی محل جایزه دادن به جنایتکارانی شود که باید در دادگاه به جرم جنایت علیه بشریت محاکمه شوند. بعنوان يك قلم از کارنامه خاتمی و حکومت اسلامی ایشان، هزاران دانشجو طی حکومت ۲۸ ساله رژیم اسلامی، به وحشیانه ترین شکلی شکنجه شده اند، به دار آویخته شده اند و در گورهای دسته جمعی و بی نام و نشان به خاک سپرده شده اند. خانواده های دانشجویان جانباخته و زندانی از شما انتظار دارند صدای اعتراض آنها در خارج از ایران باشید.

دوستان!

با جمهوری اسلامی ایران همان کاری را باید کرد که با رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی شد. بشریت در مقابل آن ایستاد، آترا منزوی کرد و به مردم آفریقای جنوبی کمک کرد که بساط آترا در هم بپيچند. امروز این وظیفه در مقابل بشریت آزادیخواه در سراسر جهان قرار گرفته است که به مردم ایران کمک کند که حکومت آپارتاید جنسی، حکومت صد هزار اعدام فعالین سیاسی، را جارو کنند و به تاریخ بسپارند و نظامی عادلانه

از صفحه ۱ گفتگو با جلیل جلیلی

جمهوری یک مملکتی بوده برای ارائه یک کنفرانس مطبوعاتی یک اقدام آشکارا سیاسی است. دعوت دانشگاه "سنت اندروز" هم کاملاً جنبه سیاسی دارد. دانشگاه سنت اندروز سومین دانشگاه قدیمی بریتانیا است که در آنجا هم مسائل سیاسی بین المللی مورد بحث و بررسی قرار میگیرد. یک چنین دانشگاهی از خاتمی دعوت کرده که در حضور سیاستمداران سرشناس بریتانیا سخنرانی کند و از دست لیبر سومین حزب سیاسی این کشور دکترای افتخاری حقوق بگیرد.

اهداف سیاسی متفاوتی میتواند در این میان دنبال شود. این سفر میتواند پلی باشد برای عادی کردن روابط جمهوری اسلامی ایران با دول غربی و از جمله با دولت آمریکا. این سفر میتواند بعنوان وسیله مذاکرات بر سر آینده عراق و نقش جمهوری اسلامی ایران در منطقه خاور میانه مورد استفاده قرار گیرد. این سفر همچنین میتواند در نزد سیاست گزاران دول غربی محکی باشد برای تصمیم گیری در باره آینده رژیم اسلامی در ایران.

انترناسیونال: واحد بریتانیای تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری بهمراه واحد بریتانیای سازمان جوانان کمونیست و همسنگی - فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی، در اعتراض به این حرکت، در اعتراض به حضور خاتمی در لندن فراخوان تظاهرات داده اند. مشخصاً میخواهد با این اعتراض به چه اهدافی برسید؟

جلیل جلیلی: ما از فرصتی که پیش آمده برای پیش برد یکی از اهداف سیاسی خود، یعنی معرفی سران جمهوری اسلامی ایران بعنوان جنایتکارانی که باید در دادگاه های بین المللی محاکمه شوند، استفاده میکنیم. خاتمی علاوه بر شریک بودنش در جنایتهای جمهوری اسلامی در ۲۷ سال گذشته، در طول ۸ سال ریاست جمهوری اش هم پرونده خوبی برای خود ساخته است. او شاکیمان فراوانی دارد. در دوره ریاست جمهوری خاتمی، بنا به آماری که در دسترس است، ۲۰۰ نفر اعدام شده اند؛ ده ها زن سنگسار شده اند؛ همجنسگرایان زیادی بازداشت و

دعوت خاتمی به دانشگاه سنت اندروز خواسته شده است.

اتحادیه سراسری دانشجویان بریتانیا، ضمن حمایت از اقدام رسماً به مقامات دانشگاه سنت اندروز و دعوت کنندگان از خاتمی اعتراض کرده است. این اتحادیه از دانشجویان خواسته است که برای نشان دادن همبستگی خود با جنبش دانشجویی در ایران در جلوی دانشگاه سنت اندروز تجمع کنند و از مقامات دانشگاه بخواهند که از دادن دکترای افتخاری حقوق به شخص خاتمی انصراف کنند. ما همچنین از همه ایرانیانی که از جمهوری اسلامی فرار کرده اند و از خاتمی شاکی هستند خواسته ایم که در تجمعات اعتراضی ما، هم در جلوی دانشگاه سنت اندروز در روز ۳۱ اکتبر و هم در جلوی پتنام هاوس در لندن در روز ۱ نوامبر شرکت کنند.

انترناسیونال: استقبال از این اعتراض تا کتون چگونه بوده است؟ آیا از جامعه بریتانیا صدای اعتراضات دیگری هم می آید؟

جلیل جلیلی: تا بحال علاوه بر تعداد زیادی از ایرانیان مقیم انگلستان برخی از سازمانهای سیاسی و مدافع حقوق انسانی با ما تماس گرفته اند، حمایت خود را از این اقدام ما اعلام کرده و تمایل خود را برای شرکت در آکسیونهای ما اعلام داشته اند. اشاره کنم که تا بحال، علاوه بر اتحادیه سراسری دانشجویان بریتانیا، سازمان "اوت رج" که یک سازمان مدافع حقوق همجنسگرایان است، و سازمان دیگری به اسم "ورکرز لیبرتی" از این آکسیون ها بطور فعال حمایت کرده اند. فعالین شناخته شده سیاسی و مدافعین حقوق انسانی از جمله آذر ماجدی، مریم نمازی، مریم کوشا، کیوان جاوید و شیوا محبوی، که خود یکی از سازماندهندگان این حرکت اعتراضی است، صوفی بوکل، رئیس اتحادیه سراسری دانشجویان بریتانیا در این آکسیونها سخنرانی خواهند کرد.

انترناسیونال: پیامتان به مردم انگلستان و نهادها و شخصیتهای انساندوست، به ایرانیانی که در لندن زندگی میکنند چیست؟

جلیل جلیلی: ما از مردمی که در انگلیس زندگی میکنند و از همه نهاد ها و شخصیتهای انساندوست

از صفحه ۳ ۱۶ آذر یک روز تاریخی مهم

رهبران اعتراضی در همه جا نقش کلیدی ای در شکل دادن به اعتراضی سراسری دارند، باید از هم اکنون با تدارک پیامهای حمایتی خود و با اعلام اینکه قطعنامه دانشجویان در ۱۶ آذر قطعنامه کل جامعه است، حرکت اعتراضی در این روز را به حرکتی سراسری و توده ای تبدیل کنند.

با حزب کمونیست کارگری ایران و تلویزیون کانال جدید تماس بگیرد

با حزب کمونیست کارگری ایران تماس بگیرید و ما را در جریان برنامه هایمان برای ۱۶ آذر قرار دهید. بویژه از ابزاری چون تلویزیون کانال جدید استفاده کنید. تلویزیون کانال جدید ابزاری مهم در انعکاس صدای اعتراض شما، در شکل دادن به یک همبستگی سراسری مبارزاتی در میان بخش های مختلف جامعه و در هدایت این مبارزات است. با این تلویزیون تماس بگیرید و صدای اعتراض خود را در سطح جامعه و در سطحی بین المللی منعکس کنید. *

از صفحه ۳ نامه سرگشاده شیوا محبوی

۶:۳۰ به صف اعتراضی ما پیوندند.

زنده باد اتحاد و همبستگی جهانی علیه استبداد و ارتجاع
زنده باد آزادی و برابری

شیوا محبوی
دبیر تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران - واحد بریتانیا
۲۱ اکتبر ۲۰۰۶

است تا با صدای بلند به گوش جهانیان برسانیم که اینها آمرین و عاملین صد هزار اعدام، شکنجه های وحشیانه و زندانهای طولانی مدت، سنگسار زنان و اعدام کودکان و نوجوانان هستند. اینها عاملین و مسببین فقر، تن فروشی، اعتیاد و بیخانمانی میلیونها انسان هستند. اینها عاملین، مسببین و مدافعین تجاوز به کودکان هستند. اینها جنایتکار هستند. جای خاتمی قبل از هر چیز قرار گرفتن بر صندلی متهم در یک دادگاه بین المللی است. ما همه ایرانیان فراری از دست جمهوری اسلامی را فرا میخوانیم که در آکسیونهای اعتراضی که بهمین مناسبت برگزار خواهند شد شرکت کنند. در محل های آکسیونها خبر نگاران زیادی حضور خواهند داشت. بلندگو های متعددی در دسترس شما خواهد بود. از این فرصت استفاده کنید. به جهانیان نشان دهید که ما این جنایتکاران را نمیخواهیم و با صدای رسا اعلام کنیم که ما خواهان و سزاوار زندگی بهتری هستیم. *

به اعتراض ما پیوندید، به مسئولین مرکز "چاتم هاوس" و دانشگاه "سنت اندروز" اعتراض کنید و دیگر دوستان خود را مطلع کنید که در روز اول نوامبر در مقابل "چاتم هاوس" از ساعت ۴:۳۰ الی

میخواهیم که اجازه ندهند تا مجرمین و جنایتکارانی مثل خاتمی از دست سیاستمداران این جامعه مدال و دکترای افتخاری دریافت کند. جامعه انگلیس باید بداند که خاتمی شاکیان فراوانی دارد. خاتمی یکی از روسای دستگاه جنایت اسلامی بوده است که زندگی میلیونها انسان را تباہ کرده است. تعداد زیادی از قربانیان حکومتی که خاتمی در راسش بوده است از جهنم اسلامی فرار کرده اند و همین امروز در انگلستان زندگی میکنند.

همه ایرانیانی که در لندن و یا دیگر شهرهای بریتانیا زندگی میکنند لازم است تا از این فرصت استفاده کنند و صدای اعتراض خود را بر علیه شرایط فلاتکباری که حکومت اسلامی و سرانش مثل خاتمی در ایران بوجود آورده بلند کنند. رسانه های بین المللی، همزمان با سفر خاتمی به انگلیس، منتظر این هستند تا ببینند مردمی که از دست اینها فرار کرده اند حرفشان چیست. این فرضت خوبی

نامه وکلا به دانشگاه " سنت آندروز" در اعتراض به دادن دکترای افتخاری حقوق به خاتمی



خلیل کیوان

در اعتراض به حضور خاتمی جنایتکار در اسکاتلند و انگلیس از مبارزات آزادیخواهان مردم ایران به دفاع برخیزید!

همین یک ماه پیش بود که خاتمی به دعوت "مرکز عدالت و آشتی جهانی" به ایالات متحده آمریکا رفت و در نیویورک در کلیسای وابسته به این مرکز و همچنین در دانشگاه میشیگان سخنرانی کرد. هفته آینده قرار است در اسکاتلند و لندن حضور یابد. دانشگاه "سنت اندرو" در اسکاتلند دکترای افتخاری حقوق به او تقدیم میکند. "مرکز چاتم هاوس" در لندن از او دعوت کرده است تا سید برایشان روضه تمدنها بخواند. خاتمی چرخانی دارد پدیده ای میشود.

خاتمی را مجدداً در بوق می کنند نه به این دلیل که او نقشی در تحولات سیاسی ایران میتواند داشته باشد. بسیار پیش از این و در همان دوره زمامداری اش، مردم از او و جنبش دو خردادش عبور کردند. او اکنون مرده سیاسی نیست.

خاتمی را می آورند و می برند به این دلیل که به قول کاخ سفید می خواهند فقط "صدای دیگری از ایران شنیده شود" و این صدا البته صدای زنان و مردان آزادیخواه ایران نیست. این صدایی است از کمپ ارتجاع اسلامی در ایران که از نظر غرب رام شده تر و مورد قبول تر است.

سیاست موسسات، نهادها و دانشگاه های غربی یک اقدام حساب شده در رابطه با اوضاع سیاسی ایران است. جانبدارند و البته جانب مردم را نمیگیرند. اینها اسلام و جمهوری اسلامی را میخوانند بالای سر مردم نگه دارند. یک اسلام اصلاح طلب و جمهوری اسلامی رام شده قطب نمای سیاست آنهاست. از سقوط جمهوری اسلامی و آزادی مردم ایران پیش از خود جمهوری اسلامی در هراس اند.

بودن جمهوری اسلامی را بر یک ایران سکولار و آزاد ترجیح میدهند. با کارگر حق طلب، زن برابری طلب و جامعه آزاد و سکولار سر دوستی ندارند. **ایرانیان مقیم خارج، ایرانیان مقیم انگلیس!** تنها پشتیبان واقعی مردم ایران در مبارزه برای خلاصی از عفریت اسلامی، مردم آزادیخواه جهان هستند. اگر دول و موسسات غربی دوستانشان را از میان جناح ها و

از شما انتظار می رود که این دهن کچی روسا و دعوت کنندگان دانشگاه سنت اندرو و مرکز چاتم هاوس به مردم ایران اعتراض کنید. نباید به اسم نمایندگی از جانب شما برای جنایتکاران آبرو بخرند! لازم است که با خاتمی همان کاری را کنید که با سران وقت رژیم آپارتاید نژادی در آفریقای جنوبی کردید. ما را در مبارزه برای رهایی از استبداد حمایت کنید!

زنان آزاده مقیم انگلیس! ایران زندان زنان است. در ایران آپارتاید جنسی حاکم است. زنان بر اساس قانون شهروند دست چندم هستند. آپارتاید جنسی قانونی است. خاتمی از مدافعین و سازندگان این نظام کثیف است. به حمایت

از زنان ایران برخیزید. به حضور او و دعوت از او اعتراض کنید. زنان در ایران به حمایت شما نیاز دارند. **به ما ملحق شوید!**

شما میتوانید نقش مهمی در حمایت از مردم ایران داشته باشید. اخبار اعتراض به سفر خاتمی را وسیعاً به اطلاع همه برسانید و در صورت امکان بچاپ برسانید. نامه اعتراضی به روسای دانشگاه سنت اندرو و مرکز چاتم هاوس ارسال کنید. به آدرس زیر مراجعه کنید و طومار اعتراضی الکترونیکی را امضا کنید. از دوستان خود بخواهید که

آتما امضا کنند. در اعتراضاتی که به همین مناسبت در مقابل دانشگاه سنت اندرو و مرکز چاتم هاوس سازماندهی شده است شرکت کنید.

زنده یاد همیستی بین المللی در حمایت از مردم ایران
خلیل کیوان
دبیر تشکیلات خارج کشور
حزب کمونیست کارگری ایران
۲۴ اکتبر ۲۰۰۶

http://www.petitiononline.com/011106/petition.html

آدرس و زمان تظاهرات
Tuesdays 31th Oktober 2006
15.00-18.00
University of St Andrews,
St Andrews,
Fife KY16 9AJ
Scotland
Wednesdays 1 November 16:30 –
18:30
Chatham HouS
10 St James's Square
London SW1Y 4LE
Nearest tube station: Piccadilly
Circus/Green Park
Tel : 00 44 (0)7950924434

نفر از مردم به جرم دفاع از حقوق انسانی شان و مبارزه بر علیه رژیم اسلامی زندانی و شکنجه شدند. صدها اعتراض دانشجویی، اعتراضات و اعتصابات کارگری، اعتصاب پرستاران و معلمان و تظاهراتهای زنان وحشیانه سرکوب شدند.

بعنوان یک وکیل، من موکلانی داشتم که ما را در می شناسم و کسانی هستند که در شرکت ما کار می کنند و کسانی را می شناسند که با موکلان ایرانی کار کرده اند، ایرانیانی که در ایران و تحت رژیمی که خاتمی رئیس جمهور آن بوده است، زندگی می کرده اند و ناچار شده اند فرار کنند چرا که خطر زندان و شکنجه و سرکوب آنها را مرتباً تهدید می کرده است.

به همین دلیل من این پیام را برای شما می فرستم که نگرانی و اعتراض خود را به تصمیم شما اعلام کرده و از شما بخواهم دکترای افتخاری را که قرار است به رئیس جمهور سابق ایران آقای خاتمی بدهید، پس بگیرید.

گرگ راندل

وکیل و عضو حزب سوسیالیست انگلیس و ولز

از صفحه ۲ خطر جنگ ...

آرایش نظامی حاضر علیرغم اهداف سیاسی کنونی آن در هر صورت گامی در این راستا است. مانورها در عین حال آزمایشی برای "روز موعود" هستند. چنین روزی نباید فرا برسد. و این یک وظیفه حیاتی مردمی است که نمیخواهد قربانی موشکهای ژنرالهای دست به ماشه و آژوندهای مجهز به بمبهای آلوده باشند. حمله نظامی یک فاجعه عظیم انسانی و سیاسی و اجتماعی خواهد بود. عواقب آن بسیار گسترده تر و ناگوارتر از وضعیت کنونی عراق است. منطقه به آتش کشیده خواهد شد. صحبت از کاربرد سلاحهای تاکتیکی اتمی است. ابعاد فاجعه

اتمی چرنوبیل در مقایسه با جنگ این دو قطب بازیچه ای بیش نخواهد بود. جنگ دهها سال منطقه را به عقب خواهد راند. هزاران هزار نفر قربانی آن خواهند شد. هیچ همسویی مجاز نیست. تنها و تنها یک سیاست انسانی است. با تمام قوا در مقابل هر دو قطب. برای سرنگونی انقلابی رژیم اسلامی و شکست میلیتاریسم نظم نوینی. تنها قدرت گیری کمونیسم کارگری متضمن آرامش و امنیت و رفاه مردم در منطقه خواهد بود. آینده منطقه به عمل کمونیسم کارگری گره خورده است.*

سخنرانی حمید تقوایی لیدر حزب کمونیست کارگری ایران در کلن

جمهوری اسلامی چگونه سرنگون می شود؟

نگاهی به وضعیت سیاسی جمهوری اسلامی
جنبش سرنگونی و نقش حزب کمونیست کارگری

جمعه ۳ نوامبر ۲۰۰۶ ساعت ۱۸:۳۰
۳-۵ Turm Str. کلن

تلفن تماس ۰۱۷۸/۳۰۲۴۸۳۲

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران - آلمان
۲۳ اکتبر ۲۰۰۶

در یازدهمین کنفرانس همبستگی - فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی شرکت کنید!

روزهای ۴ و ۵ نوامبر در شهر کلن آلمان، یازدهمین کنفرانس فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی برگزار میشود. با شرکت در این کنفرانس میتوانید با رهبری و فعالین فدراسیون آشنا شوید. در جریان فعالیتهای گسترده و موثر فدراسیون در سراسر جهان قرار گرفته و برای طرح و برنامه ریزی دوره آتی فعالیت فدراسیون با ما شریک شوید.

سخنرانان کنفرانس

حمید تقوایی لیدر حزب کمونیست کارگری ایران

مینا احدی دبیر فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی

فرشاد حسینی معاون دبیر و سردبیر نشریه همبستگی

عبدالله اسدی دبیر فدراسیون در کشور سوئد

وریا احمدی دبیر فدراسیون در آلمان

کلاوس لودویگ از مسولین شورای شهر کلن

کریستین انگل هارد از سازمان هیچکس غیر قانونی نیست

تیمو شرنبرگ از شورای پناهندگان در شهر ماینز آلمان

کنفرانس با سخنرانی افتتاحیه دبیر فدراسیون وارد دستور کار شده و با سخنرانی حمید تقوایی لیدر حزب کمونیست کارگری ایران ادامه خواهد یافت. سپس در مورد فعالیتهای دوره پیش فدراسیون و همچنین پلاتفرم دوره آتی به بحث و بررسی خواهد پرداخت. در پایان کنفرانس دبیر سراسری فدراسیون انتخاب خواهد شد. بخشی از کنفرانس به زبان آلمانی خواهد بود.

از همگان دعوت میکنیم که در این کنفرانس حضور بهم رسانند.

برای اسم نویسی در کنفرانس با رابعه آشتا و شهناز مرتب میتوانید تماس بگیرید.

تلفنهای تماس:

00491772871368 رابعه آشتا

00491729716227 شهناز مرتب

همبستگی - فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی

۲۴ اکتبر ۲۰۰۶

زنده باد انقلاب کارگری! به استقبال سالروز انقلاب اکتبر برویم!

انقلاب اکتبر عظیم ترین و عزیزترین واقعه انسانی قرن بیستم است! انقلابی که به رهبری لنین و حزب بلشویک اثبات کرد که تغییر جهان بدست انسان امری ممکن است! انقلابی که به اسطوره آزلی و

ابدی بودن نظام سرمایه داری و حاکمیت احزاب طبقات دارا خط بطلان کشید! انقلابی که علیرغم کمبودها و محدودیتهایش و شکست متعاقب آن، تأثیرات وسیع و عمیقی در زمینه حقوق و آزادیهای مردم داشت! گرامیداشت سالروز انقلاب اکتبر برای ما کمونیستها و انسانهای تشنه آزادی، نه تجلیلی عرفانی از رویدادی متعلق به گذشته، بلکه جزئی از تلاش روزمره طبقه کارگر جهانی برای تکرار آن است! ۸۹ سال پس از انقلاب اکتبر، دنیای امروز علیرغم پیشرفت ها و تحولات شگرف در علم و تکنیک، کماکان دنیای طبقاتی است. تغییر وضع موجود و ساختن جامعه ای آزاد و برابر برای همگان، تنها از مسیر انقلاب سوسیالیستی و با رهبری حزب انقلابی کمونیستی کارگری میگذرد!

باید از اکتبر و تجاریش آموخت و بر محدودیتهای آن فائق آمد! باید پرچم اکتبر را برافراشته نگهداشت! دنیای امروز بیش از هر زمان نیازمند اکتبر دیگری است! باید با صدای رسا اعلام کرد که بشریت کارگر برای آزادی خود و کل جامعه راهی جز انقلاب علیه سرمایه ندارد! باید از تربیون اکتبر جهان را به تغییر و امر انقلاب کارگری، فراخوان داد!

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران شما مردم آزادیخواه و پیشرو را به شرکت

ویدئو: شنبه ۲۱ اکتبر ساعت ۱۸:۳۰ بعد از ظهر در ۳-۵ Turm Str. سخنران: سرین رمضانعلی عضو دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران تلفن تماس ۰۱۷۸/۳۰۲۴۸۳۲

ویدئو: شنبه ۱۱ نوامبر ۲۰۰۶، ساعت ۷ بعدازظهر تا ۱ نیمه شب مکان: تروت لیک کامیونیتی سنتر شماره ۳۳۵۰ خیابان ویکتوریا در ونکوور برنامه شامل سخنرانی، موزیک و ... تلفن تماس ۶۰۴-۷۲۷-۸۹۸۶

زنده باد اکتبر!
زنده باد انقلاب کمونیستی کارگری!

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران
۱۵ اکتبر ۲۰۰۶

Tel: 0044-779-1130-707
Fax: 0044-870-135-1338
Email: markazi@ukonline.co.uk

دقت مرکز حزب

نامه سرگشاده حزب کمونیست کارگری ایران به "چاتم هاوس" و دانشگاه "سنت اندروز" در رابطه با سفر خاتمی

Chatham House
Dr Ali Ansari, Dr
Rosemary Hollis
shardy@chathamhouse
.org.uk

University of St
Andrews
Sir Menzies Campbell,
Chancellor
st-@30ns
andrews.ac.uk

در مورد ملاقات خاتمی از انستیتوی شما

آقای خاتمی از طرف انستیتوی شما دعوت شده است تا در مورد "دیالوگ تمدنها" سخنرانی کرده و از شما دکترای افتخاری حقوق دریافت کند. ما امیدوار بودیم شما به جای او این افراد را دعوت می کردید:

• کبری رحمانپور و شهلا جاهد، دو زنی که در زندان نشسته اند و منتظر هستند توسط رژیم اسلامی ایران اعدام شوند،

• منصور اسانلو، رئیس اتحادیه کارگران اتوبوس رانی تهران که بخاطر دفاع از حق تشکل برای کارگران به زندان افتاد. زبان ایشان را در زندان بریدند،

• بیوه های ۱۲ ساله و دختران ۹ ساله ای که تحت قوانین اسلامی که مورد تأیید آقای خاتمی هستند و بکار برده می شوند، مجبور به ازدواج شده اند،

• یکی از هزاران کودک خیابانی بی پناه،

• یکی از پدران که هر شب گریه می کند بخاطر اینکه مجبور است دخترش را برای تامین غذای خانواده به تنفروشی بفروشد،

• یکی از هزاران کارگری که بیش از یکسال است حقوقش را دریافت نکرده است،

• احمد باطبی، کسی که بخاطر بلند کردن پیرهن خونین یکی از دانشجویان زخمی در تظاهرات ضد رژیمی دانشجویان ۷ سال پیش دستگیر شده است،

• زنی که کلیه اش را فروخت که زندگی خانواده اش را تامین کند.

ما همچنین می خواهیم شما این افراد را دعوت کنید:

• زنانی که در شهر سنجند روز ۸ مارس روز جهانی زن روسرپهانشان را برداشتند و فریاد زدند مرگ بر آپارتاید جنسی،

• فعالین حقوق کودک که فستیوال یادکنکها را در تهران و سنجند در روزهای ۱۰-۹ اکتبر ۲۰۰۶ سازمان دادند،

• فعالین کارگری که در مقابل گادهای مسلح می ایستند و از حقوق زندگیشان دفاع می کنند،

• دختر بچه ۹ ساله ای که می خواهد بجای اینکه توسط "شوهر" ۵۰ ساله اش مورد تجاوز قرار بگیرد، با عروسکهای بازی کند.

این لیست پایان ناپذیر است. شکی در این نیست که شما برای انتخاب افراد مهم دیگر به انستیتوی خود کم نمی آورید. مردمی که اگرچه پرزیدنت بنیاد بین المللی دیالوگ تمدنها نیستند، اما قادر خواهند بود به شما بگویند که منظور از تمدنها برای آنها و مردم ایران چیست! مگر نه اینکه این مردم دارند تحت ورژن مورد نظر آقای خاتمی از تمدنها زندگی می کنند و تجربه دست اول دارند و می توانند حضار روشنفکر در جلسه شما را در این مورد بخوبی روشن کنند!

ما مطمئن هستیم که کبری رحمانپور و آن دختر بچه ۹ ساله بخوبی به دانش لازم در مورد زندگی با قوانین اسلامی که آقای خاتمی و دیگر سران رژیم تدوین و اجرا می کنند، مسلح هستند که با آن بتوانند خاتمی و کارمندان محترم و حضار شما را به چالش بکشند. مگر چقدر سخت است که برای حضار در جلسه شما توضیح داده شود که آمار سنگسار در زمان حکومت خاتمی

بالا رفت؟ چقدر سخت می تواند باشد که توضیح داده شود که خاتمی چنان به پدوفیلی اعتقاد دارد که آنرا به نام قوانین شرع در کشور پیاده می کند؟ چقدر سخت می تواند باشد که به شما و کسانی که در جلسات شما شرکت می کنند توضیح داده شود که خاتمی جنایتکار است و دادن تریبون به چنان شخص جنایتکاری به این معنی است که به مردم ایران و دنیا بگویند که خاتمی و رژیم اسلامی او از نظر شما قابل احترام و "متمدن" هستند؟ آیا شما حاضر می بودید هیتلر را دعوت کنید که در مورد "تمدن" نوع خودش برای شما سخنرانی کند؟

سوالی که مطرح است این است که شما چرا خاتمی را دعوت کرده اید؟ برای اینکه نشان دهید که دمکراسی در کشورهای غربی چگونه عمل می کند؟ برای اینکه نشان دهید که چقدر در مقابل نظرات مختلف تحمل دارید؟ برای اینکه نشان دهید چقدر خاتمی محترم است؟ بخاطر اینکه نشان دهید چقدر نسبت به بی حقوقی و بدبختی مردم ایران بی تفاوت هستید؟ یا اینکه می خواهید نشان دهید که دنیای آکادمیک با دنیای سیاست جدا

هستند؟ متأسفانه جواب تمام این سوالات مثبت است. مردم ایران از رژیم اسلامی و جنایاتی که خاتمی مرتکب شده است متنفر هستند. خانواده زندانیان سیاسی که در زمان حکومت خاتمی عزیزانشان را از دست داده اند، معتقدند که سخنرانی او در دانشگاه شما اعتبار شما را زیر سوال می برد. اعتبار خاتمی، اگر چیزی هم داشت، مدتهاست از بین رفته است. از آمدن خاتمی به اروپا زمانی استقبال خواهد شد که او به هلند و دادگاه بین المللی می آید که بخاطر جنایاتش و نقض حقوق بشر در ایران مورد محاکمه قرار گیرد.

جامعه متمدن نسبت به جنایات خاتمی کور نیست، همانطور که در مقابل قصد شما برای دعوت او و همکاری شما با او کور نیست. جامعه متمدن نهایت اعتراض خود را نسبت به اقدام شما برای تبدیل شدن به بلندگوی این مرد منفور نشان خواهد داد.

تشکلات خارج کشور حزب کمونیست
کارگری ایران - بریتانیا

۱۴ اکتبر ۲۰۰۶

از صفحه ۸ در حاشیه رویدادها

مورد این طرح میگوید "برخلاف تصورات القا کننده ای که وجود دارد ما به استقبال تنوع و تغییر مد میرویم" و بعد اضافه میکند "ما به دنبال تنوع هستیم در حالیکه سرمایه داری مخالف تنوع و تکثر اجتماعی است زیرا سرمایه داری به دنبال تولید انبوه و سود است."

مهم نیست که این حرف از جانب این شخص چقدر مضحک و مسخره است. نفس سخن گفتن این جانوران عهد عتیقی از "مد" و "طرح لباس" و "تنوع و رنگها" و سلیقه ها، از جام زهری که خمینی نوشید برایشان تلخ تر است. این گفتن غلط کردم از جانب مدافعان متحجر "حجاب واحد

و بی پرو برگرد اسلامی" در پیشگاه زنان است. روشن است که نیرویی که بسیاری از قوانین و مقدمات این حکومت را به تمسخر گرفته و عملاً بی خاصیت کرده است، یعنی جنبش آزادی زن در ایران، به طرحهای مسخره و تحمیلی ای مثل طرح کدابی "ساماندهی مد و لباس" نیز گردن نخواهد گذاشت و همه را به زیاله دان خواهد ریخت. *

یک دنیای بهتر

بر نامه

حزب کمونیست

کارگری را بخوانید

سایت حزب: www.wpiran.org

سایت روزانه: www.rowzane.com

نشریه انترناسیونال: www.antemansional.com

سایت کانال جدید: www.newchannel.tv

آدرس تماس با حزب: markazi@ukonline.co.uk

تلفن و فاکس برای تماس با حزب:

Tel: 0044-7950 517 465

به این سایت مراجعه کنید

www.WantedByPeople.com

و دادنامه خود علیه رژیم اسلامی را تنظیم کنید



کمپینی برای جمع آوری ده هزار

دادنامه!

مرگ بر جمهوری اسلامی!
زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

در حاشیه رویدادها

کاظم نیکخواه



باتلاق جنگ عراق

برای دولتهای بریتانیا و ایالات متحده جنگ عراق به باتلاق یا مردابی بدل شده که راه پس یا پیشی در چشم انداز مشاهده نمیشود. نه براحتی میتوانند از آن بیرون بکشند و نه به موفقیت و پیشرفتی میتوانند امیدوار باشند. این واقعیت بلبشومی را در میان مقامات و الیت سیاسی این کشورها ایجاد کرده است. در بریتانیا تونی بلر میگوید دولت این کشور هیچ جنول زمانی ای برای خروج از عراق تعیین نخواهد کرد. اما ژنرال دانات فرمانده ارتش بریتانیا میگوید "ما باید در آینده نزدیک از عراق خارج شویم" او گفته است حضور نیروهای بریتانیایی در عراق اوضاع را بدتر کرده است. جان رید وزیر دفاع بریتانیا نیز تعداد ۷۰۰ نفر از نیروهای این کشور را بعنوان قدم اول از عراق خارج کرده و گفته است این کاهش تا ماه مه ادامه خواهد یافت. او گفته است این کاهش به این دلیل است که نیروهای ارتش عراق که شمارشان به ۲۲۵ هزار نفر میرسد اکنون از عهده وظایف خود بر می آیند و از روحیه قوی ای برخوردارند. اما از سوی دیگر برخی از مقامات ارتش بریتانیا مخالف کاهش نیروهای نظامی در این کشور هستند و میگویند این اقدام پیام غلطی را به بیرون میدهد و ارتش عراق در شرایط فعلی در وضعیت مناسبی که بتواند اوضاع را کنترل کند قرار ندارد. از سوی دیگر نتیجه یک نظرسنجی که توسط روزنامه گاردین صورت گرفته نشان میدهد که ۶۱ درصد مردم این کشور طرفدار خروج ارتش بریتانیا از عراق هستند.

در مورد دولت بوش در آمریکا وضعیت از این هم بدتر است. دولت بوش بعنوان مسبب اصلی جنگ و خونریزی در عراق زیر فشار بیشتری از سوی مردم و رسانه ها و افکار عمومی است. از یک سو مخالفت با ادامه جنگ در عراق به سرعت در آمریکا افزایش می یابد و از سوی دیگر در میان سیاستگزاران این کشور انتقاد به سیاستهای بوش در عراق شدت گرفته است. و این در شرایطی

است که انتخابات میان دوره ای در این کشور نزدیک است و مساله جنگ در عراق به موضوع اصلی رقابتهای انتخاباتی تبدیل شده است. این روزها جرج بوش، رامزفلد، دیک چینی و کسان دیگری از سیاستگزاران آمریکا موفقیت در جنگ عراق را امکان پذیر خواندند، اما آلبرتو فرناندز رئیس بخش سیاستگزاری آمریکا در امور خاور نزدیک در مصاحبه ای در "تلویزیون الجزیره" به شدت از سیاست دولتش در عراق انتقاد کرد و گفت "ما در عراق با تکبر و حماقت عمل کردیم". یک بحث داغ در رسانه ها و مردم آمریکا در این روزها مقایسه جنگ ویتنام با جنگ در عراق است. جنگی که در آن ارتش آمریکا با سرکشگی بیرون رانده شد و جنایات بی سابقه و بیرحمانه ارتش آمریکا علیه مردم ویتنام، جهان را تکان داد و اعتراضات گسترده ای را در سطح جهان دامن زد.

واقعیت اینست که تا آنجا که به معضل دولت و ارتش آمریکا و بریتانیا و متحدینشان مربوط میشود، وضعیت در عراق با وضعیت در ویتنام میتواند قابل مقایسه باشد. اما تا آنجا که به مردم یعنی قربانیان مستقیم جنگ مربوط میشود مساله بسیار پیچیده تر است. یک چیز را که هیچکدام از طرفین این بحث نمیخواهند بروشنی اعتراف کنند و چندان مشغله شان نیست اینست که در ویتنام این فقط یک سوی جنگ بود که مردم را بیرحمانه و با آخرین تکنیکها کشتار میکرد و آن ارتش آمریکا بود، اما در عراق هردوسوی این جنگ کثیف مردم این کشور را در کوچه و خیابان نشانه میروند و با بیرحمی تمام کشتار میکنند. در ویتنام یک تک گزارش مستقل نیز از اینکه ویتکنگها مردم را ترور و قتل عام کرده اند منتشر نشد. اما در عراق هردو سوی این جنگ برای کشتار هرروزه زن و مرد و کودکان مسابقه گذارده اند. مشغله سیاستگزاران آمریکا و بریتانیا نجات خود از مهلکه جنگ در عراق است که خود خلق کرده اند. اما برای بشریت

متمدن مساله اینست که چگونه میتوان به ترور و جنگ و کشتار هرروزه مردم پایان داد. ارتشهای اشغالگر در عراق باید از عراق خارج شوند اما بی تردید این مساله جنگ و ترور و کشتار را در این کشور خاتمه نخواهد داد. رقابت خونین دستجات قومی و مذهبی و ترورهای بی رحمانه در کوچه و خیابان حتی با خروج این ارتشها نیز ادامه خواهد یافت. و نتیجه آن میتواند تکه تکه شدن این کشور به قلمروهای نفوذ دستجات مافیایی اسلامی و قومی و ملی و ادامه جنگ و کشتار مردم در ابعاد گسترده تری باشد. این آن مساله مهمی است که در بحثهای تند کنونی در کشورهای غربی بر سر مساله عراق چندان مورد توجه قرار نمیگیرد. و این کار مردم متمدن و شریف جهان است که به معضل اصلی یعنی گرفتار شدن میلیونها مردم بی دفاع در میان آتش جنگ ارتشهای کشتار گر و دستجات تروریستی فکر کنند و به مردم زجر دیده عراق برای خروج از این وضعیت کمک کنند. کشور عراق در بحرانی عمیق و ترازیک گرفتار شده است. راه حل انسانی ساده و کوتاه مدتی متأسفانه برای این بحران مشاهده نمیشود. اما راه حل روشنی وجود دارد. راه حل آن خروج ارتشهای اشغالگر از یک طرف و خلع سلاح دستجات جنایتکار و تروریست از سوی دیگر و ایجاد فضایی است که مردم بتوانند آزادانه در مورد سرنوشت و آینده خود تصمیم بگیرند. اجرای این کار دشوار و سترگ و غول آسا، امری هیچکس جز مردم زجر دیده عراق و میلیونها مردم شریف جهان نیست و نمیتواند باشد. این کار جبهه سوم یعنی جبهه انسانیت است که فارغ از تنگ نظریهای ناسیونالیستی و مذهبی با تمام قدرت اعتراض و مبارزه خویش به تروریسم نظم نونینی و تروریسم اسلامی و قومی نه بگوید، آنها و دولتهای حامی آنها را زیر فشار مبارزه قدرتمند و بین المللی قرار دهد، و از زندگی و حقوق انسانی مردم عراق قاطعانه دفاع کند.

تصویب "طرح سامان دهی مد و لباس" توسط مجلس اسلامی

این هفته مجلس اسلامی کلیات طرحی بنام "طرح ساماندهی مد و لباس" را به تصویب رساند. این طرح مدتها بود در جریان بود و با

مخالفتهایی در درون حکومت همراه بود و بعد از اصلاحاتی در آن به تصویب رسید و قرار است شورای نگهبان آنرا بطور نهایی تایید کند تا بتواند جنبه اجرایی پیدا کند. در ماده اول این طرح چنین آمده است "به منظور حفظ و تقویت فرهنگی و هویت ایرانی - اسلامی، ارج نهادن تشبیت و ترویج الگوهای پوشش ملی، هدایت بازار تولید و عرضه السبه و پوشاک براساس طرح ها و الگوهای داخلی و نیز در جهت ترغیب عموم مردم به پرهیز از انتخاب و مصرف الگوهای بیگانه و غیرماتوس با فرهنگ و هویت ایرانی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مکلف است جهت پی ریزی ساختار مدیریتی موضوع این قانون کمیته ای متشکل از یک نفر نماینده تام الاختیار از هرکدام از وزارتخانه های فرهنگ و ارشاد اسلامی، بازرگانی و صنایع و معادن و سازمان های صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران و مدیریت و برنامه ریزی کشور و یک نفر نماینده از کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی تشکیل دهد"

در ادامه این طرح تاکید شده است که صدا و سیما جمهوری اسلامی مکلف است طرحها و نمادها و پارچه های مورد تایید این کمیته را مورد تبلیغ قرار دهد، وزارت فرهنگ و بازرگانی باید جشنواره ها و نمایشگاههای ملی و بین المللی برای تبلیغ این طرحهای ملی اسلامی برپا کند، از گسترش طرحها و مدهای غربی جلوگیری کنند، دولت موظف است به طراحان ایرانی سوسیسید بدهد، طرحها و مدهای اسلامی و ملی تولید شده مورد حمایت قانونی قرار خواهند گرفت، و در آخر گفته شده است که "نیروهای انتظامی جمهوری اسلامی ایران، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی مکلفند از فروش لباسهای خارجی دست دوم که به صورت قاچاق وارد کشور میشود ممانعت بعمل آورند"

اینکه دولت و مجلس در یک کشور وظیفه خودش را این تعریف کند که برای مد و لباس زنان طرح تصویب کند، و نهادهای انتظامی را به اجرای این طرح موظف کند، و زنان را به پوشیدن لباسهایی با طرحهای دولتی ملزم کند، پدیده جالبی در این قرن است. اما کسی که جمهوری اسلامی و اوضاع ایران را

کمی از نزدیک بشناسد از این طرح تعجب نخواهد کرد. روشن است که این دخالت دولت در خصوصی ترین جنبه های زندگی مردم است. اما این اولین بار نیست که این حکومت در نحوه لباس پوشیدن زنان و حتی مردان رسماً دخالت میکند. این حکومت با حجاب اجباری اسلامی وارد صحنه سیاست ایران شد. داستان حجاب اجباری اسلامی را همه مردم دنیا میدانند. امروز اگر این طرح را با حجاب اجباری اسلامی مقایسه کنید، متوجه میشوید که این اعتراف این حکومت به شکست حجاب اسلامی است. حجابی که دهها نهاد مسلح و نیمه مسلح برای اجرای آن برپا شده اند و هرروز برای پیاده کردن آن علیه زنان لشکرکشی کرده اند. ۲۶ سال جمهوری اسلامی یک محور مهم حاکمیتش را تحمیل حجاب اجباری به زنان تعریف کرده و در این جهت هزاران تن از زنان و دختران شلاق زده، زندانی کرده و از مدرسه و دانشگاه و محل کار اخراج کرده است. حجاب اسلامی نماد حاکمیت اسلامی در ایران است. و هر خیرنگاری که به ایران سری زده است متوجه شده که زنان در ایران علیرغم تمام فشارها و اسید پاشی ها و تهاجم دختران کثیف زینب و حزب الهی ها و قمه کشان رنگارنگ، در برابر حجاب اسلامی مقاومت میکنند و جنگی در این زمینه در جریان است. طرح اخیر "ساماندهی مد و لباس" اعترافی به این جنگ و به این مقاومت است. جمهوری اسلامی با این طرح رسماً گامی از حجاب سیاه و خاکستری و یک دست اسلامی عقب نشسته، رنگ و مد و طرحهای ملی و محلی لباس را وارد سیاست رسمی خود کرده است. تا از یک طرف آن واقعیتی را که در خیابان ها قابل مشاهده است، یعنی دهن کجی زنان به حجاب اسلامی را لاپوشانی کند، و از سوی دیگر با این طرح تقلایی تازه و مضحک را به جریان انداخته است که از طریق آن شاید بتواند روی آوری زنان و دختران

به تنوع لباس و رنگ و مد را کنترل کند و در چارچوبی قرار دهد که با قوانین و سنتهای اسلامی در تقابل کامل قرار نگیرند. "عماد افروغ" نماینده تهران و رئیس "کمیسیون فرهنگی مجلس اسلامی" که طراح اصلی این طرح به شمار می آید در صفحه ۷